

مقایسه بین استانی اثرات بیکاری و شهرنشینی بر سرقت در ایران

سعید گرشاسبی فخر^۱

چکیده:

این مقاله با استفاده از تحلیل اقتصادی جرم به بررسی ارتباط بین سرقت و بیکاری در استانهای ایران می‌پردازد و نتایج آن حاکی از این است که بین بیکاری و سرقت در استانهای ایران رابطه معنی‌داری وجود دارد، به این صورت که با افزایش نرخ بیکاری، تعداد جرایم از نوع سرقت نیز افزایش داشته است. از دیگر نتایجی که این مقاله به آن دست یافته است می‌توان به ارتباط مستقیم نرخ جرم سرقت با نسبت شهرنشینی و نرخ مهاجرت خارجی و همچنین رابطه مستقیم آن با هزینه روزانه خانوارهای شهری اشاره کرد.

واژگان کلیدی:

جرایم علیه اموال و مالکیت، سرقت، بیکاری، نسبت شهرنشینی، نرخ مهاجرت خارجی، هزینه روزانه.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آیت‌ا... بروجردی (ره)

مقدمه

کشور ما در طی سالیان پس از انقلاب، نرخهای بیکاری متفاوتی را در استانهای مختلف تجربه کرده است. (نمودار ۲ و جدول ۱ را ببینید.) به عنوان نمونه در سال ۱۳۸۵، نرخ بیکاری در آذربایجان شرقی حدود ۵ درصد و در استانهای همچون لرستان و کرمانشاه رقمی در حدود ۱۶ درصد را نشان می دهد، همچنین به طور کلی نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله، بسیار بالاتر از نرخ بیکاری کل است به طوریکه در آذربایجان شرقی، رقمی در حدود ۱۰ درصد و در استانهای همچون لرستان، کرمانشاه و ایلام ارقام بالای ۳۵ درصد و در کهگیلویه و بویر احمد رقم ۴۰ درصد را نشان می دهد. این آمار نشان دهنده تفاوتی بسیار زیاد در استانهای کشور و توزیع ناعادلانه امکانات و فرصتها در این استانها بویژه مناطق محروم است که خود معلول علتی بسیاری می باشد و نیازمند بررسی جداگانه است.

از طرف دیگر تمرکز امکانات رفاهی در شهرها و هجوم جمعیت روستاییان به این مناطق یکی از عوامل مهم گسترش بدون برنامه ی شهرها بوده است. طبق اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نسبت شهرنشینی در ایران از ۳۸/۸ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۷۰/۱ درصد در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است.^۱ نکته حائز اهمیت این است که مهاجرت بی رویه از روستاها، اصلی ترین دلیل نرخ رشد جمعیت شهرنشین ایران محسوب می شود.

افزایش بی رویه جمعیت شهری که به طور عمده ناشی از مهاجرت روستاییان به شهرها بوده، معضلی دیگر را بنام پدیده حاشیه نشینی دامن زده است. روستاهایی که به دلیل مشکل کمبود فرصت شغلی و کسب درآمد، دیگر توانایی حفظ جمعیت خود را ندارند در نتیجه مردم و سکنه آنها به سوی شهرها مهاجرت می کنند. این افراد به صورت آلونک نشین و زاغه نشین در هر گوشه و کناری سکنی می گزینند و برخی از ایشان نیز در پیاده روها و زیر پل ها روزگار می گذرانند. پلیس بین الملل، اینترپول^۲، بر اساس آمار منتشره توسط دادگاه اروپا در موضوع امنیت شهرها، نرخ جرایم ملی به ازاء هر هزار نفر سکنه را با نرخ جرایم در شهرهای بزرگ مقایسه می کند و این نتیجه

۱ - بانک اطلاعات سریهای زمانی اقتصادی : <http://tsd.cbi.ir/IntTSD/Display/Display.aspx>

2. Interpol

به دست می یابد که معمولاً نرخ جرایم شهرهای بزرگ نزدیک به دو برابر نرخ جرایم ملی هستند (میرخلیلی، ۲۹۷، ۱۳۸۷).

سکونت در حواشی شهرها با کمترین امکانات رفاهی و اجتماعی، زمینه و موقعیت بروز بزهکاری را فراهم می نماید. ضرورت توجه به گسترش جرایم بخصوص در شهرها از آن جهت اهمیت دارد که بخش عظیم جمعیت شهرها را مهاجران تشکیل می دهند که برخی از آنها به دلیل عدم تطابق اجتماعی با محیط جدید، مرتکب جرایم و انحرافات فراوانی می شوند.

زندگی شهری، ویژگیهای خاص خود را دارد به نحوی که گاهی این ویژگیها زمینه ساز بروز انحرافات و جرایم بیشتر می شود. یکی از این ویژگیها، بیکاری و بحران اشتغال در شهرهاست. بیکاری در جوامع شهری تا حد زیادی تحت تاثیر پدیده مهاجرت - چه از نوع مهاجرت روستاییان به شهرها و چه از نوع مهاجرت اتباع بیگانه - می باشد، بنابراین از آنجاییکه بیکاری یکی از عواقب افزایش نسبت شهرنشینی است لذا اگر بتوانیم نشان دهیم که افزایش بیکاری باعث افزایش جرم و مخصوصاً سرقت در جامعه می شود، در حقیقت می توانیم بگوییم که افزایش نسبت شهرنشینی هم به طور غیر مستقیم یعنی از طریق افزایش بیکاری و هم به طور مستقیم یکی از دلایل افزایش جرم در جامعه محسوب می شود.

با توجه به تئوری اقتصادی جرم که استفاده از آن در طول دهه گذشته افزایش پیدا کرده است، بزرگترین هزینه ای که بیکاری و شهرنشینی، دارند، افزایش جرایم علیه اموال و مالکیت^۱ بویژه سرقت^۲ می باشند.

جرایم علیه اموال و مالکیت، جرایمی هستند که موضوع آنها اموال یا مالکیت متعلق به دیگری است که مهمترین آنها عبارتند از: ۱- سرقت، ۲- خیانت در امانت، ۳- تخریب، ۴- کلاهبرداری، ۵- صدور چک پرداخت نشدنی. قانونگذار در ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی در تعریف سرقت چنین مقرر داشته است: "ربودن مال دیگری به طور پنهانی"، (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۸) با توجه به اینکه این تعریف، مخصوصاً با توجه به قید پنهانی، تعریف جامع و مانعی از سرقت نیست، لذا ما تعریف عرفی آنرا در این مقاله ملاک قرار داده ایم. از نظر رویه قضایی و عرف حقوقدانان، سرقت عبارت

-
1. Property Crime
 2. Robbery

است از "ربودن مال متعلق به غیر". (رحیمی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۰) سرقت یکی از انواع جرایم علیه اموال و مالکیت است و موضوع همه این جرایم و از جمله سرقت، مال متعلق به غیر می باشد، همچنین فقط اموال خاصی، موضوع سرقت نیستند، بلکه کلیه اموال منقول و غیرمنقول که در نتیجه عمل انسان از وی جدا می شوند، قابل سرقت می باشند. مطالعات متعددی اثرات افزایش گسترده در بیکاری و شهرنشینی را در طول سه دهه پس از انقلاب مورد بحث قرار داده اند اما هیچیک از آنها به طور مجزا، اثر آن بر روی جرم را بررسی نکرده اند. این مطالعه اثرات بیکاری و شهرنشینی بر روی سرقت را با استفاده از داده‌های مقطعی مربوط به ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۸۵، مورد بررسی قرار می دهد. از آنجاییکه تئوری اقتصادی جرم اولین تئوری اقتصادی قابل اجرا و انطباق بر روی جرایم علیه اموال و مالکیت است، این مطالعه بر روی این تئوری تاکید می کند. به علت وجود نوسانات قابل توجه بیکاری و شهرنشینی در بین استانهای مختلف، شناسایی اثرات فرض شده بیکاری و شهرنشینی بر روی جرم سرقت، به آسانی قابل شناسایی می باشند.

۱) چهارچوب نظری

تئوری اقتصادی جرم، بر اساس مدل ارایه شده بوسیله گری بکر^۱ (Becker, G. S, 1968: 526) جرم را به عنوان یک نوع فعالیت، مثل هر فعالیتی که زمان می برد و منافع اقتصادی را به همراه دارد، مورد بررسی قرار می دهد. بر اساس این تئوری یک شخص میان فعالیتهای قانونی و غیر قانونی بوسیله مقایسه منافع این فعالیتها و در چارچوب نظریه اقتصادی انتخاب تحت شرایط نااطمینانی، انتخاب می کند. این مدل نظری بر روی جرایم علیه اموال و مالکیت قابل اجرا است و از این پس در این مقاله هر زمان که به دنبال کلمه "جرم" تعریف دقیقتری ذکر نشده باشد، منظور جرایم علیه اموال و مالکیت است.

این مدل یک انتخاب فردی بین کارمشروع و جرم را به عنوان منبع درآمد در طول یک دوره توضیح می دهد. کار و جرم به عنوان دو فعالیت جایگزین که نمی توانند با یکدیگر ترکیب شوند در نظر گرفته شده اند، زیرا معمولاً هنگامی که یک شخص یک کار قانونی را به عنوان حرفه خود بر میگزیند، با وجود اینکه ممکن است مرتکب تخلفاتی شود اما سرقت را به عنوان یک شغل بر نمیگزیند، به هر حال این فرض جهت سادگی مدل در نظر گرفته شده است. در این مدل، W

3. Becker, G. S

مشخص کننده دستمزد فردی ناشی از کار مشروع است و W_b منافع ناشی از جرم را نشان می دهد، A مشخص کننده مقرری بیمه بیکاری یعنی مبلغی که هنگام بیکاری به شخص پرداخت می شود و u نشان دهنده نرخ بیکاری می باشد. u میبایستی به عنوان احتمال اینکه فرد در طول دوره بیکار شود تفسیر شود. اگر شخص جرم را انتخاب کند، p و S به ترتیب احتمال دستگیر شدن و هزینه مجازات را نشان می دهند. فرض شده است که همه افراد ریسک خشی هستند و در ملاحظات اخلاقی که ممکن است میل به ارتکاب جرم را تحت تاثیر قرار دهد، یکسان می باشند. فرد در صورتی ارتکاب جرم را انتخاب می کند که منافع انتظاری ناشی از جرم، بالاتر از منافع انتظاری ناشی از کار مشروع و قانونی باشد، یعنی اگر رابطه ۱ تحقق پیدا کند:

$$E(W_b) > E(W) \quad (1)$$

بدین ترتیب رابطه ۱ دلالت دارد بر اینکه اگر منافع انتظاری ناشی از جرم بیشتر از منافع کار قانونی و درست باشد و شخص ارتکاب جرم را انتخاب کند، به این مفهوم است که ارتکاب جرم می تواند جایگزین کار قانونی شود. یک افزایش در سمت چپ این رابطه یعنی افزایش منافع انتظاری ناشی از جرم، احتمال ارتکاب جرم را افزایش می دهد، در حالیکه یک مقدار بیشتر در سمت راست یعنی منافع انتظاری ناشی از کار مشروع و قانونی، احتمال انتخاب کار قانونی را افزایش می دهد. در این مقاله فرض می کنیم که فرد نمونه، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، قانونمداری و درستکاری و زندگی شرافتمندانه را ترجیح می دهد و بنابراین در موردی که معادله $E(W_b) = E(W)$ برقرار باشد کار مشروع و قانونی را انتخاب می کند.

سمت چپ نا معادله شماره ۱، در واقع امید ریاضی منافع ناشی از ارتکاب جرم می باشد و از میانگین موزون منافع در دو حالت متصور که شخص برای ارتکاب جرم دستگیر شود یا نشود، به دست می آید، p احتمال دستگیر شدن و $1-p$ احتمال دستگیر نشدن فرد است. اگر فرد ارتکاب جرم را انتخاب کند ولی دستگیر شود، منافع ناشی از جرم، W_b ، بوسیله هزینه مجازات S ، تعدیل می شود. بدین ترتیب منافع انتظاری ناشی از جرم را می توان به صورت زیر نوشت:

$$E(W_b) = (1-p)W_b + p(W_b - S) \quad (2)$$

منافع انتظاری ناشی از کار مشروع تحت تاثیر نرخ بیکاری و بیمه بیکاری می باشد. منافع انتظاری ناشی از فعالیتهای مشروع یا همان امید ریاضی منافع زندگی شرافتمندانه، از میانگین موزون دستمزد

فرد و بیمه بیکاری بدست می آید، بر این اساس نرخ بیکاری، u ، نشان دهنده احتمال دریافت بیمه بیکاری توسط فرد و نرخ اشتغال، $1-u$ ، نشان دهنده احتمال استخدام فرد و دریافت دستمزد قانونی می باشد. بدین ترتیب منافع انتظاری ناشی از کار مشروع و قانونی به صورت زیر بدست می آید:

$$E(W) = (1-u)W + uA \quad (3)$$

اکنون می توان رابطه اول را برای شخصی که ارتکاب جرم را انتخاب می کند به صورت زیر نوشت:

$$(1-p)W_b + p(W_b - S) > (1-u)W + uA \quad (4)$$

رابطه ۴ نشان می دهد چطور متغیرهای مختلف ارتباط بین منافع انتظاری ناشی از ارتکاب جرم و انتخاب کار مشروع را تحت تاثیر قرار می دهند. فرض شده است که ریسک استخدام نشدن در طول دوره کمتر از ریسک دستگیر شدن بخاطر ارتکاب جرم است یعنی $u < p$ ، به علاوه فرض شده است که متوسط هزینه مجازات، S ، بالاتر از هزینه بیکار شدن یعنی $W - A$ است. با وجود این فرضیات ارتکاب جرم خیلی پرخطر تر از انتخاب یک کار قانونی و زندگی شرافتمندانه است. بدین ترتیب برای جبران ریسک بالاتر مربوط به فعالیتهای بزهکارانه، می بایستی منافع انتظاری ناشی از جرم، W_b ، بیشتر از منافع انتظاری ناشی از کار قانونی، W ، باشد. بنابراین برای فردی که ارتکاب جرم را انتخاب می کند رابطه ۴ شرط می کند که اگر خطر دستگیر شدن یا هزینه مجازات افزایش پیدا کند، منافع انتظاری ناشی از جرم نیز افزایش می یابد. در طرف مقابل هم، تفاوت در منافی که باعث می شود فرد، متقاضی ارتکاب جرم، بجای کار، شود یعنی $W_b - W$ با افزایش نرخ بیکاری و یا افزایش هزینه بیکار شدن، $W - A$ ، کاهش می یابد. در مجموع سطوح بالاتر W_b و u شرایط را برای فرد مساعدتر می کنند تا مرتکب جرم شود، در حالیکه سطوح بالاتر p ، A و W احتمال انتخاب کار قانونی و مشروع را توسط فرد افزایش می دهد.

۳) پیشینه مطالعه

در داخل کشور مطالعات اندکی در مورد تاثیرات عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی بر روی جرم انجام شده است که در این زمینه می توان به تحقیقی که توسط صادقی وهمکارانش (صادقی وهمکاران، ۱۳۸۴: ۲۵) صورت گرفته اشاره کرد. در این تحقیق صادقی با استفاده از داده های پنل مربوط به ۲۶ استان در طی سالهای ۷۶ تا ۸۰ به بررسی علل اقتصادی وقوع جرایم قتل و سرقت پرداخته است که از نتایج این تحقیق می توان به رابطه مستقیم میان نابرابری درآمد و نرخ قتل و سرقت اشاره کرد. همچنین براساس این تحقیق، نرخ سرقت رابطه معکوس با نرخ صنعتی شدن دارد. تحقیق دیگر توسط حسینی نژاد (حسینی نژاد، ۱۳۸۴: ۳۵) انجام شده است. در این مقاله حسینی نژاد با استفاده از مدل داده های تلفیقی، علل اقتصادی وقوع انواع سرقت در ایران را بررسی کرده است که نتایج آن حاکی از رابطه مثبت بین نابرابری درآمد و سرقت می باشد. از دیگر نتایج این مقاله می توان به رابطه مثبت میان نسبت جمعیت جوان در جامعه و سرقت و همچنین به رابطه منفی میان رشد اقتصادی و هزینه های انتظامی با سرقت اشاره کرد که هیچکدام از این مقالات تاکید ویژه ای بر روی اثرات نرخ بیکاری نداشته اند. مقاله دیگری توسط میرخلیلی (میرخلیلی، ۲۹۷، ۱۳۸۷) نوشته شده است، در این مقاله نگارنده به بررسی توسعه شهرها و نسبت شهرنشینی و عوامل موثر ناشی از توسعه شهرها بر روی جرم و بزهکاری پرداخته است. این مقاله تاکید می کند که می بایست با بررسی موقعیت ها و شرایطی که در شهرها به نفع بزهکاران و بزهکاری ایجاد شده و از بین بردن آنها، زمینه تحقق جرایم را کاهش داد. ویژگیهای خاص جوامع شهری از جمله تراکم جمعیت و کاهش نظارت، معضل حاشیه نشینی و موارد دیگر از موضوعاتی است که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

اما در خارج از کشور تعداد زیادی از مقالاتی که در حوزه اقتصاد جرم و جنایت نگاشته شده اند، توجه خود را بر روی ارتباط بین بیکاری و جرم متمرکز کرده اند. بسیاری از این مقالات از داده های تلفیقی استفاده کرده اند. برای مثال می توان به رافائل^۱ و همکاران (Raphael et al, 2001: 283)، دوئل^۲ و همکاران (Doyle et al, 1999: 738)، لویت و استون^۳ (Levitt & Steven)

1. Raphael
2. Doyle
3. Levitt & Steven

D, 1996:319) و گلد^۱ و همکاران (Gould, E. D et al, 2002:45) اشاره کرد که همگی داده های تلفیقی را برای سالهای گوناگون و در ایالتهای مختلف آمریکا مورد بررسی قرار داده اند و همه این چهار مطالعه آمریکایی این نظریه را تایید کرده اند که شرایط وخیم تر در بازارهای کار، با نرخهای بالاتر جرایم علیه اموال و مالکیت همراه است.

انتورف^۲ و اسپنگلر^۳ (Entorf, H. & Spengler, H, 2000: 75) مشابه این کار را برای ایالتهای آلمان انجام دادند و پاپس^۴ و وینکلمن^۵ (Papps, K. & Winkelmann R, 1998) نیز مطالعه ای را با استفاده از داده های بدست آمده از نواحی نیوزیلند انجام دادند. نتایج ارایه شده توسط این مطالعات از لحاظ آماری از معناداری ضعیفی برخوردار هستند، و دلالت می کنند بر اینکه نرخهای بیکاری فقط برخی از انواع جرایم خسارتی^۶ را تحت تاثیر قرار می دهند و نتایج ارایه شده توسط انتورف و اسپنگلر در مورد ایالت بوندسلندر^۷ آلمان غربی سابق نیز ضعیف و مبهم هستند. (حتی تخمینهای منفی برای برخی از انواع جرایم سرقت ارایه شده است) اما زمانیکه آلمان متحد را مورد بررسی قرار دادند در مورد ارتباط بین بیکاری و جرایم علیه اموال و مالکیت، نتایج قویتر و مثبتی برای همه جرایم بدست آوردند. اسکورکو^۸ و کلینی^۹ (Scorcu, A. E. & Cellini, R, 1998: 279) داده های سری زمانی ایتالیا را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که بیکاری یک متغیر توضیحی معنادار برای سرقت می باشد. همچنین سچالدر^{۱۰} (Schuller, B.-J, 1986) با استفاده از داده های سری زمانی سوئیس، تاییدی را برای ارتباط مثبت بین بیکاری و جرم بدست می آورد. از طرف دیگر، مطالعات بر روی افراد، غالباً بر روی جوانان تاکید می کنند، بخاطر اینکه افراد جوانتر، بویژه مردان جوان، بر اساس گزارشات مختلف تمایل بیشتری به جرم داشته اند. برای مثال

1. Gould
2. Entorf
3. Spengler
4. Papps
5. Winkelmann
6. Damage Crime
7. Bundesländer
8. Scorcu
9. Cellini
10. Schuller

وایت^۱ و توچن^۲ (Witte, A. D. & Tauchen. H, 1994) داده های مقطعی مربوط به مردان جوان آمریکایی را مورد استفاده قرار دادند و دریافتند که افرادی که استخدام می شوند، نسبت به اشخاصی که بیکار هستند، گرایش کمتری به ارتکاب جرایم دارند. در کنار این مطالعات، می توان به تحقیقات دیگری اشاره کرد که ارتباط بین جرایم علیه اموال و مالکیت و سایر متغیرهای اقتصادی به غیر از بیکاری را مورد بررسی قرار داده اند. به عنوان نمونه مچین^۳ و مگهیر^۴ (Machin, S and C Meghir, 2000) اثر دستمزدهای کارگران نیمه ماهر در انگلستان بر روی جرایم علیه اموال و مالکیت را با استفاده از داده های نیروی پلیس نواحی مختلف برای دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۶ به دست آوردند. همچنین بورگونیون^۵ (Bourguignon, 2002) نشان داد که مجرمان در کلمبیا در میان افرادی یافت می شوند که در خانواده های دارای درآمدی زیر ۸۰ درصد درآمد متوسط جامعه زندگی می کنند. بدین ترتیب ادبیات موضوع، در بیشتر موارد، از جمله مطالعات انجام شده در آمریکا ارتباط بین جرم و بیکاری را نشان می دهد، و در برخی موارد هم نتایج به دست آمده ضعیف و مبهم می باشد.

۴) روش مطالعه

۴-۱) نوع مطالعه

این مطالعه از نوع تحلیلی-توصیفی است. همچنین به منظور تطبیق تئوریهای اقتصادی با واقعیهایی جامعه، روابط علی بین متغیرها با استفاده از آمار و ارقام مورد بررسی قرار گرفته و پس از تطبیق با تئوریهای، فرضیه های مورد نظر با استفاده از آمار استنتاجی و روشهای اقتصادسنجی به منظور قضاوت در خصوص رد یا اثبات فرضیه های ارائه شده مورد آزمون قرار می گیرد.

۴-۲) جامعه آماری و روش نمونه گیری

در تحقیق حاضر برای گردآوری آمار و ارقام و مستندات تاریخی از روش کتابخانه ای استفاده شده است و آمار مورد استفاده، مجموعه داده های مقطعی مربوط به ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۸۵ را در برمی گیرد. از آنجاییکه استانهای خراسان شمالی و خراسان جنوبی، استانهای تازه تاسیسی

1. Witte
2. Tauchen
3. Machin
4. Meghir
5. Bourguignon

هستند و در برخی متغیرها، آمار صحیحی از آنها وجود نداشته است لذا در این مقاله این دو استان در نظر گرفته نشده اند و فقط به بررسی ۲۸ استان دیگر پرداخته شده است. آمار جرایم مختلف هر ساله از طرف نیروی انتظامی و دادگستری جمهوری اسلامی ایران ارایه می شود. نظر به اینکه برخی از پرونده های تشکیل شده در نیروی انتظامی با رای صادره از سوی دادگاهها همخوانی نداشته و برخی از متهمین پرونده ها، تبرئه شده اند، بنابراین آمار این دو نهاد با یکدیگر متفاوت می باشند، اما به علت اینکه هدف اصلی این مقاله بررسی علل جرمهایی است که وقوع آنها به اثبات رسیده و برای آنها حکم صادر شده است، لذا آمار مورد استفاده مربوط به سرقت در این مقاله، آماری است که از سوی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ارایه شده و در سالنامه های آماری مرکز آمار ایران به چاپ رسیده است.

۳-۴) روش تجزیه و تحلیل داده ها

نقطه شروع تحلیل اقتصادسنجی ما که براساس مبانی نظری و تجربی شکل گرفته مدل زیر می باشد:

$$Robbery_t = c_t + \theta U_t + \alpha T_t + \beta X_t \quad (6)$$

که متغیرهای به کار رفته در آن عبارتند از:

$Robbery_t$ ، تعداد سرقتهای اتفاق افتاده به ازای هر یکصد هزار شهروند

c_t جمله اختلال

U_t نرخ بیکاری

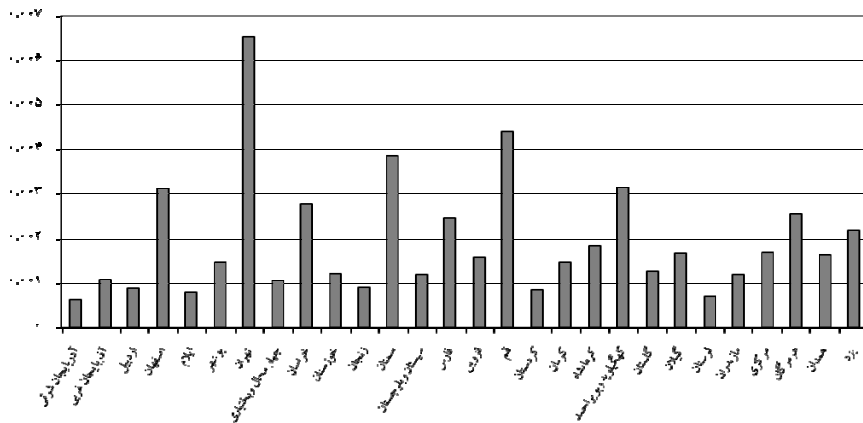
T_t نسبت شهرنشینی

X_t بردار سایر متغیرهای کنترل

ضرایب تخمینی تا حدودی می توانند به عنوان کشش تفسیر شوند، یعنی این ضرایب درصد تغییر در نرخ جرم سرقت در اثر یک واحد تغییر در هر یک از متغیرهای توضیحی را نشان می دهند. نمودار ۱، نرخ سرقت (R)، که معرف تعداد سرقتهای واقع شده در هر یکصد هزار نفر جمعیت است را برای هراستان در سال ۱۳۸۵ نشان می دهد. همانطور که این نمودار نشان می دهد و در جدول شماره ۱ نیز با جزییات بیشتری نشان داده شده است، استان تهران با نرخ سرقت ۶۵۴٫۶ در رتبه اول و استانهای قم و سمنان در رتبه های بعدی قرار دارند. به عبارت دیگر در هر یک از این استانها به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت به ترتیب حدود ۶۵۵، ۴۴۳ و ۳۸۷ سرقت اتفاق افتاده است.

همچنین کمترین آمار مربوط به استان آذربایجان شرقی با نرخ سرقت ۶۴,۰۴ می باشد یعنی در این استان به ازای یکصد هزار نفر جمعیت حدوداً ۶۴ سرقت اتفاق افتاده است که اختلاف بسیار زیادی با استان تهران که دارای بالاترین نرخ سرقت است، دارد.

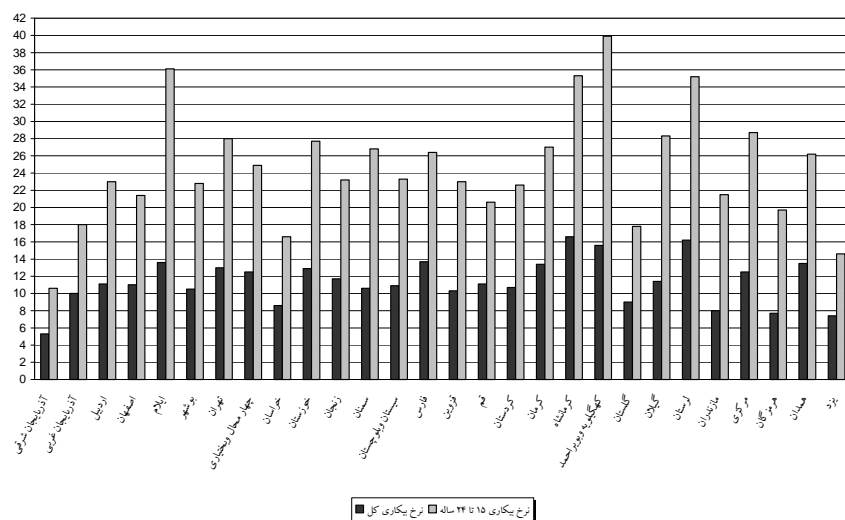
نمودار ۱: نرخ سرقت



مأخذ: سالنامه آماری استانهای مختلف

نمودار ۲ نیز نرخ بیکاری را در جمعیت ۱۰ سال به بالا و جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله نشان می دهد. نرخ بیکاری در جمعیت ۱۰ سال به بالا در کمترین حالت خود مربوط به استان آذربایجان شرقی با ۵,۳ درصد و در بالاترین حالت، مربوط به استانهای کرمانشاه، لرستان و کهگیلویه و بویر احمد با ۱۶,۶، ۱۶,۲ و ۱۵,۶ درصد می باشد. با صرف نظر از این چند استان در سایر استانهای کشور، این نرخ نوسانات خیلی زیادی نشان نمی دهد و در اکثر آنها بین ۱۰ تا ۱۴ درصد می باشد.

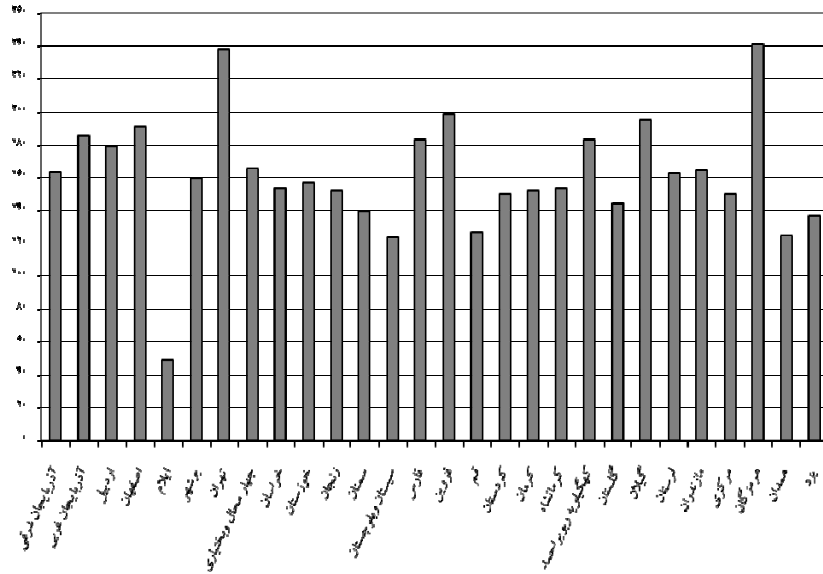
نمودار ۲: نرخ بیکاری



مأخذ: سالنامه های آماری استانهای مختلف

نمودار ۳، نسبت شهرنشینی (T) استانهای مختلف را نشان می‌دهد که از تقسیم جمعیت شهری هر استان به کل جمعیت آن استان به دست آمده است. به علت مهاجرت روستاییان به سمت شهرها، نسبت شهرنشینی در طی سالیان گذشته روند افزایشی داشته است، یعنی با گذشت زمان نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت استان به دلایل مختلف افزایش یافته است که این امر، به دلیل محدودیت ظرفیت و امکانات شهرها و نداشتن تمکن مالی مناسب مهاجرین، باعث افزایش حاشیه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ و سایر معضلات مربوطه گشته است. همانطور که این نمودار نشان می‌دهد، استان قم با نسبت شهرنشینی ۰,۹۳، در رتبه اول و استانهای تهران و اصفهان با نسبت های شهرنشینی ۰,۹۱ و ۰,۸۳ در رتبه های بعدی قرار دارند. همچنین کمترین آمار مربوط به استان هرمزگان با نسبت شهرنشینی ۰,۴۷ می‌باشد. یعنی در این استان کمتر از ۵۰ درصد جمعیت ساکن، شهر نشین هستند که اختلاف بسیار زیادی با استانهای قم و تهران که دارای بالاترین نسبت شهرنشینی می‌باشند، دارد. البته نکته دیگری که در این نمودار مشهود است این است که نسبت

نمودار ۵: هزینه روزانه خانوارهای شهری



مأخذ: سالنامه های آماری استانهای مختلف

جدول ۱: آمار مورد استفاده در مدل

استان	R	U	Uy	N	T	E
آذربایجان شرقی	۰.۰۰۰۶۴	۵.۳	۱۰.۶	۰.۰۰۸۴	۰.۶۶۶۷۳	۱۶.۳۵
آذربایجان غربی	۰.۰۰۱۰۸۶	۱۰	۱۸	۰.۰۰۶۵۶	۰.۶۰۰۳۱	۱۸.۶۳
اردبیل	۰.۰۰۰۸۸۹	۱۱.۱	۲۳	۰.۰۰۳۵۴	۰.۵۸۲۶۶	۱۷.۹۵
اصفهان	۰.۰۰۳۱۲۳	۱۱	۲۱.۴	۰.۰۰۳۵۰۶	۰.۸۳۳۱۹	۱۹.۱۸
ایلام	۰.۰۰۰۸۰۳	۱۳.۶	۳۶.۱	۰.۰۱۲۳۸	۰.۶۰۶۸۹	۴.۹۳
بوشهر	۰.۰۰۱۴۹۶	۱۰.۵	۲۲.۸	۰.۰۰۲۴۵	۰.۶۵۱۵۷	۱۵.۹۸
تهران	۰.۰۰۶۵۴۷	۱۳	۲۸	۰.۰۰۲۴۰۷	۰.۹۱۳۴۳	۲۳.۸۴
چهارمحال و بختیاری	۰.۰۰۱۰۵۷	۱۲.۵	۲۴.۹	۰.۰۰۵۹۹	۰.۵۱۵۵۵	۱۶.۶۱
خراسان	۰.۰۰۲۷۷۹	۸.۶	۱۶.۶	۰.۰۰۳۳۳۲	۰.۶۸۱۵۴	۱۵.۳۶
خوزستان	۰.۰۰۱۲۴۸	۱۲.۹	۲۷.۷	۰.۰۰۹۳۵	۰.۶۷۲۱۸	۱۵.۷۲
زنجان	۰.۰۰۰۹۰۷	۱۱.۷	۲۳.۲	۰.۰۰۴۳۹	۰.۵۷۹۸۷	۱۵.۲۲
سمنان	۰.۰۰۳۸۶۹	۱۰.۶	۲۶.۸	۰.۰۰۳۱۵۹	۰.۷۴۷۰۴	۱۳.۹۶
سیستان و بلوچستان	۰.۰۰۱۲۲	۱۰.۹	۲۳.۳	۰.۰۰۵۴۲۷	۰.۴۹۵۹۸	۱۲.۴۲
فارس	۰.۰۰۲۴۶۹	۱۳.۷	۲۶.۴	۰.۰۰۲۳۷۹	۰.۶۱۱۷۲	۱۸.۳۲
قزوین	۰.۰۰۱۶۰۳	۱۰.۳	۲۳	۰.۰۰۱۶۵۲	۰.۶۸۰۵۲	۱۹.۹۱
قم	۰.۰۰۴۴۳۵	۱۱.۱	۲۰.۶	۰.۰۰۹۲۰۴	۰.۹۳۹۲	۱۲.۷۴
کردستان	۰.۰۰۰۸۵۴	۱۰.۷	۲۲.۶	۰.۰۰۶۳۸	۰.۵۹۴۲۵	۱۵.۰۴
کرمان	۰.۰۰۱۵۰۲	۱۳.۴	۲۷	۰.۰۰۳۴۰۲	۰.۵۸۵۳۲	۱۵.۲۱
کرمانشاه	۰.۰۰۱۸۵۱	۱۶.۶	۳۵.۳	۰.۰۰۴۶۵	۰.۶۶۷۹۴	۱۵.۳۹
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۰۰۳۱۶۳	۱۵.۶	۳۹.۹	۰.۰۰۷۸۹	۰.۴۷۶۴۲	۱۸.۳۲
گلستان	۰.۰۰۱۲۸۷	۹	۱۷.۸	۰.۰۰۱۱۰۶	۰.۴۹۱۱۷	۱۴.۴۲
گیلان	۰.۰۰۱۶۹۷	۱۱.۴	۲۸.۳	۰.۰۰۴۰۴	۰.۵۳۸۸	۱۹.۵۴
لرستان	۰.۰۰۰۷۰۸	۱۶.۲	۳۵.۲	۰.۰۰۵۸۱	۰.۵۹۴۳۱	۱۶.۲۸
مازندران	۰.۰۰۱۲۱۹	۸	۲۱.۵	۰.۰۰۶۵۵	۰.۵۳۱۸	۱۶.۴۶
مرکزی	۰.۰۰۱۷۱۳	۱۲.۵	۲۸.۷	۰.۰۰۲۴۹۱	۰.۶۸۹۷۸	۱۵.۰۷
هرمزگان	۰.۰۰۲۵۶۴	۷.۷	۱۹.۷	۰.۰۰۲۳۱۵	۰.۴۷۱۱۴	۲۴.۱۳
همدان	۰.۰۰۱۶۵	۱۳.۵	۲۶.۲	۰.۰۰۵۳۹	۰.۵۷۵۸۲	۱۲.۵۳
یزد	۰.۰۰۲۲۲۲	۷.۴	۱۴.۶	۰.۰۰۳۷۳۸	۰.۷۹۷۱۲	۱۳.۶۹

منبع: سالنامه آماری استانهای مختلف

۶ یافته های تحقیق

مدل در نظر گرفته شده در این تحقیق به دو صورت تصریح و برآورد شده است، در تصریح اول، اثرات نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله و در تصریح دوم، اثرات نرخ بیکاری کل بر روی سرقت مورد بررسی قرار گرفته است.

۶-۱) تصریح اول

مدل مورد استفاده برای بررسی اثر نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله و سایر متغیرهای جمعیت شناختی بر روی سرقت به صورت زیر تصریح و برآورد شد:

$$R = C + \beta_1 U_y + \beta_2 T + \beta_3 N + \beta_4 E \quad (7)$$

R بیانگر تعداد سرقت‌های واقع شده در هر یکصد هزار نفر جمعیت در هر استان است، C عرض از مبدا است و نشان دهنده تمام عوامل موثر بر سرقت است که توسط متغیرهای مستقل مدل قابل توضیح دادن نمی باشد،

U_y معرف نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در هر استان می باشد،

T بیان کننده نسبت شهرنشینی می باشد و برابر است با نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت کشور در هر استان

N نیز نرخ مهاجرت خارجی است و نسبت تعداد افراد ساکن دارای تابعیت غیر ایرانی به کل جمعیت در هر استان را نشان می‌دهد.

E متوسط هزینه روزانه خانوارهای شهری به هزار تومان را برای هر استان نشان می دهد، نتایج حاصل از برآورد مدل در این تصریح به صورت زیر می باشد:

$$R = -588/6 + 6/36 U_y + 464/5 T + 3070/4 N + 16/6 E \quad (8)$$

ضرایب تخمین زده شده با جزئیات بیشتری در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. همان طوری که در این جدول مشخص است با توجه به آماره t استیودنت، ضرایب تخمینی همگی به لحاظ آماری معنی دار هستند و تفسیر نتایج آن به صورت زیر می باشد:

بین نرخ بیکاری و نرخ سرقت رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش نرخ بیکاری، تعداد سرقت‌های اتفاق افتاده در هر یک صد هزار نفر جمعیت افزایش می‌یابد. ضریب تخمینی E یک عدد مثبت است، که نشان دهنده رابطه مثبت بین هزینه روزانه خانوارهای شهری و نرخ سرقت می‌باشد

یعنی با افزایش هزینه روزانه خانوارها، تعداد سرقت اتفاق افتاده افزایش می‌یابد. همچنین ضریب تخمینی T نیز نشان می‌دهد که بین نسبت شهرنشینی و نرخ سرقت رابطه مستقیم وجود دارد یعنی افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها و هر دلیل دیگری که باعث افزایش جمعیت شهری نسبت به کل جمعیت کشور می‌شود، باعث افزایش تعداد سرقت‌های اتفاق افتاده می‌شود. این نتیجه، با توجه به اینکه کنترل جمعیت انبوه و متمرکز مشکل است، منطقی می‌باشد.

و بالاخره اینکه بین نرخ مهاجرت خارجی و نرخ سرقت رابطه مثبتی وجود دارد، به این مفهوم که با افزایش تعداد اتباع خارجی به ازای هر یک صد هزار نفر جمعیت در هر استان، تعداد سرقت‌های اتفاق افتاده در همان مقیاس جمعیتی افزایش می‌یابد.

جدول ۲: ضراب تخمین زده شده

متغیرهای مستقل	ضرایب تخمینی	آماره t محاسباتی
C	-۵۸۸,۶۳۹۰	-۴,۷۳۳,۸۳۵
U_y	۶,۳۶۶,۰۸۷	۲,۸۱۷,۰۱۷
T	۴۶۴,۵۶۷۴	۳,۱۵۰,۵۴۷
N	۳۰۷۰,۴۲۸	۳,۲۴۴,۰۸۸
E	۱۶,۶۴۹۸۷	۴,۱۱۰,۱۴۹
$R^2 = ۰,۷۳$	$F = ۱۵,۶۶۳۴$	$D - W = ۲,۱۵$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین آزمون F (آزمون معنی دار بودن کلی رگرسیون) حاکی از معنی دار بودن کلی مدل در سطح ۹۵ درصد است. میزان ضریب R^2 نیز برابر با ۷۳ درصد می‌باشد. این میزان حاکی از آن است که حدود ۷۳ درصد از تغییرات نرخ سرقت توسط متغیرهای معرفی شده در مدل قابل توضیح است. آماره دورین-واتسون، $D - W$ ، نیز که نشان دهنده وجود یا عدم وجود خود همبستگی است از وضعیت مناسبی برخوردار است و عدد به دست آمده نشان می‌دهد در مدل مورد نظر خود همبستگی وجود ندارد.

۶-۱) تصریح دوم

مدل مورد استفاده برای بررسی اثر نرخ بیکاری کل و سایر متغیرهای جمعیت شناختی بر روی سرقت به صورت زیر تصریح و برآورد شد:

$$R = C + \beta_U U + \beta_T T + \beta_N N + \beta_E E \quad (9)$$

C عرض از مبدا است و نشان دهنده تمام عوامل موثر بر سرقت است که توسط متغیرهای مستقل مدل قابل توضیح دادن نمی باشد،

R بیانگر تعداد سرقت‌های واقع شده در هر یکصد هزار نفر جمعیت در هر استان است،

U معرف نرخ بیکاری کل در هر استان می باشد،

T بیان کننده نسبت شهرنشینی می باشد و برابر است با نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت کشور در هر استان

N نیز نرخ مهاجرت خارجی است و نسبت تعداد افراد ساکن دارای تابعیت غیر ایرانی به کل جمعیت در هر استان را نشان می‌دهد.

E متوسط هزینه روزانه خانوارهای شهری به هزار تومان را برای هر استان نشان می دهد، نتایج حاصل از برآورد مدل در این تصریح به صورت زیر می باشد:

(10)

$$R = -52/39 + 10/94U_y + 439/1T + 2169/3N + 15/115E$$

ضرایب تخمین زده شده با جزئیات بیشتری در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. همان طوری که در این جدول مشخص است، نتایج بدست آمده در این تصریح و نوع ارتباط بین متغیرهای معرفی شده و نرخ سرقت مشابه تصریح اول است. با این تفاوت که در این تصریح آماره t استودنت برای متغیر بیکاری کمتر از عدد ۲ می باشد و به جهت معنادار بودن، از سطح اطمینان کمتری نسبت به مدل قبل برخوردار است.

جدول ۳: ضراب تخمین زده شده

متغیرهای مستقل	ضرایب تخمینی	آماره t محاسباتی
C	-۵۲/۳۹۵۲	-۳/۹۳۰۲۶۷
U	۱۰/۹۴۵۳۹	۱،۸۲۸۳۲۱
T	۴۳۹/۸۳۴۵	۲،۷۴۵۴۸۶
N	۲۸۶۹/۳۱۴	۲۸۰۹۲۴۰
E	۱۵/۸۸۵۲۶	۳،۶۳۱۴۹۵
$R^2 = ۰،۶۸$	$F = ۱۲/۴۸۴$	$D - W = ۲/۱۹$

مأخذ: یافته های تحقیق

همچنین آزمون F (آزمون معنی دار بودن کلی رگرسیون) حاکی از معنی دار بودن کلی مدل در سطح ۹۵ درصد است. میزان ضریب R^2 نیز برابر با ۶۸ درصد می باشد. این میزان حاکی از آن است که حدود ۶۸ درصد از تغییرات نرخ سرقت توسط متغیرهای معرفی شده در مدل قابل توضیح است. آماره دوربین-واتسون، $D - W$ ، نیز که نشان دهنده وجود یا عدم وجود خود همبستگی است از وضعیت مناسبی برخوردار است و عدد به دست آمده نشان می دهد در مدل مورد نظر خود همبستگی وجود ندارد.

۷) بحث و نتیجه گیری

در این مقاله به دنبال یافتن ارتباط بین بیکاری و شهرنشینی با تعداد سرقتهای اتفاق افتاده بین استانهای کشور هستیم. برای بررسی این رابطه هم از نرخ بیکاری کل و هم نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله استفاده کرده ایم و همچنین از نسبت جمعیت شهری هر استان به جمعیت کل آن استان به عنوان نسبت شهرنشینی استفاده کرده ایم. به علاوه متغیرهای کنترلی دیگری نیز در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند که عبارتند از: نرخ مهاجرت خارجی و هزینه روزانه خانوارهای شهری. نتایج بدست آمده نشان می دهند که بین نرخ بیکاری جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله و نرخ سرقت رابطه معنی داری مثبتی وجود دارد و ارتباط بین نرخ بیکاری کل و نرخ سرقت نیز مثبت است اما از معناداری کمتری برخوردار است، یعنی با افزایش نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله و به تبع آن

افزایش نرخ بیکاری کل، تعداد سرقت‌های اتفاق افتاده در هر یکصد هزار نفر جمعیت افزایش می‌یابد. همچنین نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که با افزایش نسبت شهرنشینی، نرخ سرقت نیز افزایش می‌یابد و بین نرخ سرقت و نسبت شهرنشینی رابطه مثبت و به لحاظ آماری معناداری وجود دارد.

به عبارت دیگر افزایش بی‌رویه جمعیت شهری که به طور عمده ناشی از مهاجرت روستاییان به شهرها بوده، علاوه بر اینکه باعث افزایش نرخ بیکاری در شهرها شده است، معضلی دیگر را نیز بنام پدیده حاشیه نشینی در پی داشته است. بیکاری علاوه بر دلایل اقتصادی به دلایل فرهنگی نیز زمینه ساز بروز جرم و بزهکاری می‌شود. همچنین سکونت در حواشی شهرها با کمترین امکانات رفاهی و اجتماعی نیز، زمینه و موقعیت بروز بزهکاری را فراهم می‌نماید. این تحقیق و نتایج آن، ضرورت توجه به گسترش جرایم بخصوص در شهرها را از آن جهت مورد توجه و تاکید قرار می‌دهد که بخش عظیم جمعیت شهرها را مهاجران تشکیل می‌دهند که برخی از آنها به دلیل عدم تطابق اجتماعی با محیط جدید، جرایم و انحرافات فراوانی را مرتکب می‌شوند و علاوه بر این معمولاً بخش اعظم مهاجران به دلیل نداشتن تخصص‌های لازم و فقدان مهارت‌های کافی، قسمتی از بیکاران آشکار و بخش عظیمی از بیکاران پنهان را در شهرها تشکیل می‌دهند که این مسایل همگی باعث افزایش جرایم و نرخ سرقت در شهرها می‌شود.

همچنین بر اساس سایر یافته‌های این تحقیق، با افزایش نرخ مهاجرت اتباع خارجی، نیز نرخ سرقت افزایش می‌یابد. اکثر اتباع خارجی که در کشور ما حضور دارند، اتباع افغانی می‌باشند که حضور آنها در برخی استانهای کشور همانطور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است پررنگتر می‌باشد. این بخش از مهاجران نیز به دلیل افزایش جمعیت فعال کشور، از یک طرف باعث افزایش بیکاری در میان اتباع داخلی می‌شوند که این موضوع همانطور که قبلاً گفته شد باعث افزایش جرم و سرقت در جامعه می‌شود، از طرف دیگر با توجه به اینکه بسیاری از این اتباع به دور از خانواده‌های خود مشغول زندگی در ایران می‌باشند و با مناسبات فرهنگی، اجتماعی و اسلامی خانواده‌های ایرانی همخوانی کافی ندارند و همچنین ترسی از شناخته شدن به عنوان یک مجرم ندارند، لاجرم زمینه ایجاد جرم و بزه در میان آنها بیشتر می‌شود.

از دیگر نتایج تحقیق می‌توان به رابطه مثبت بین نرخ سرقت، وهزینه روزانه خانوارهای شهری، اشاره کرد یعنی با افزایش این هزینه، نرخ سرقت افزایش می‌یابد که نتیجه معقولی به نظر می‌رسد یعنی صرف نظر از اعتقادات مذهبی و مناسبات فرهنگی و اجتماعی، افزایش هزینه خانوارها می‌تواند منجر به افزایش جرم شود. البته آستانه وقوع جرم برای همه افراد یکسان نمی‌باشد، به عنوان نمونه هرچه اعتقادات مذهبی یک شخص بیشتر و قویتر باشد، تاثیر بسزایی در کاهش تمایل وی برای انجام جرم خواهد گذاشت ولو اینکه هزینه‌ها افزایش یابد و در خیلی افراد ممکن است اعتقادات مذهبی و فرهنگی و اجتماعی به نحوی باشد که هر چقدر هم هزینه خانوار افزایش یابد، شخص حاضر به ارتکاب جرم نشود.

در مجموع، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سیاستگذاران کشور برای کاهش جرایم مربوط به سرقت پیش از اینکه توجه خود را به مسایل انتظامی و قضایی معطوف نمایند، می‌بایست به عوامل افزایش جرم توجه بیشتری داشته باشند. تلاش برای ایجاد رونق و رشد اقتصادی جهت کاهش نرخ بیکاری و افزایش درآمد خانوارها می‌تواند از جمله این عللها باشد.

همچنین توجه بیشتر به روستاییان و افزایش امکانات و فرصتهای شغلی برای آنها می‌تواند باعث کاهش تمایل آنها برای مهاجرت به شهرها شود و در نتیجه نسبت شهرنشینی را کاهش دهد. به علاوه وجود اتباع خارجی بیشتر در هر استان که عمدتاً از کشورهای همسایه به ایران مهاجرت نموده‌اند و اکثر آنان نیز به صورت غیر قانونی وارد کشور شده‌اند، طبق این تحقیق یکی از عوامل اثرگذار بر افزایش میزان سرقت در استانها بوده است. جا دارد مسئولین زیربسط تصمیمات قویتری در جهت کاهش حضور این افراد بویژه حضور غیر قانونی آنان در کشور اتخاذ نمایند. در کنار همه اینها افزایش آموزشهای لازم فرهنگی و اعتقادی نیز ضروری به نظر می‌آید، باید از یک طرف با آموزش به موقع و فرهنگسازیهای مناسب و از طرف دیگر با ترویج مسایل دینی و اعتقادی، زشت بودن جرم سرقت را بیش از پیش برای همگان روشن ساخت تا به صرف پردرآمد بودن سرقت و کم درآمد بودن فعالیتهای قانونی، یک شخص مرتکب انجام سرقت نشود. به عبارت دیگر باید اقداماتی انجام داد تا آستانه وقوع جرم برای افراد جامعه از نظر درآمدی بسیار بالا رود، که پیشنهاد می‌شود این مورد آخر توسط محققان دیگر مورد بررسی دقیق علمی قرار گیرد.

منابع:

- رحیمی نژاد اسماعیل، آشنایی با حقوق جزا و جرم شناسی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
- صادقی حسین، شقاقی شهری وحید، اصغرپورحسین، تحلیل عوامل اقتصادی اثر گذار بر جرم در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸ بهار ۱۳۸۴.
- حسینی نژاد سیدمرتضی، بررسی علل اقتصادی جرم در ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۴.
- امینی علیرضا، نشاط حاجی محمد، اصلاحچی محمد رضا، بازنگری برآورد سری زمانی جمعیت شاغل به تفکیک بخش های اقتصادی ایران (۱۳۳۵-۱۳۸۵)، مجله برنامه و بودجه سال دوازدهم، شماره ۱۰۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶.
- میر خلیلی سید محمود، توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷.

- Bourguignon, F, J Nuñez and F Sanchez (2002) "What part of the income distribution does matter for explaining crime? The case of Colombia" mimeo, *DELTA and World Bank, Paris; CEDE, Universidad de los Andes, Bogotá*.
- Becker, G. S. ["۱۹۶۸ Crime and Punishment: An Economic Approach" *Journal of Political Economy*, vol ۷۸, s. ۵۳۶-۵۲۶]
- Doyle, J. M., Ahmed, E. & Horn, R.N. ["۱۹۹۹ The Effects of Labor Markets and Income Inequality on Crime: Evidence from Panel Data" *Southern Economic Journal*, vol ۶۵, s. ۷۱۷-۳۸]
- Ehrlich, I. ["۱۹۷۳ Participation in Illegitimate Activities: A Theoretical and Empirical Investigation" *Journal of Political Economy*, vol ۸۱, s. ۵۶۵-۵۲۱]
- Entorf, H. & Spengler, H. [۲۰۰۰]. "Socioeconomic and Economic Factors of Crime in Germany: Evidence from Panel Data of the German States," *International Review of Law and Economics*, vol ۲۰, s. ۷۵-۱۰۶.

- Freeman, R. B. [۱۹۹۹]. "The Economics of Crime". *Handbook of Labor Economics*, vol ۳s. ۳۵۷۱-۳۵۲۹
- Gould, E. D., Weinberg, B. A. & Mustard, D. [۲۰۰۲]. Crime Rates and Local Labor Opportunities in the United States: ۱۹۹۵-۱۹۷۹. *Review of Economics and Statistics*, vol ۸۴:۱ s. ۶۱-۴۵
- Levitt, Steven D. [۱۹۹۶]. "The Effect of Prison Population Size on Crime Rates: Evidence from Prison Overcrowding Litigation", *The Quarterly Journal of Economics*, vol ۱۱۱s. ۳۵۲-۳۱۹
- Machin, S and C Meghir (2000) "Crime and economic incentives" The Institute for Fiscal Studies, *Working Paper 00/17*.
- Papps, K. & Winkelmann R. [۱۹۹۸]. Unemployment and Crime: New Answers to an Old Question. Bonn, IZA.
- Raphael, S & Winter-Ebmer R. [۲۰۰۱]. "Identifying the Effect of Unemployment on Crime". *Journal of Law and Economics*, vol ۴۴, s. ۲۸۳-۲۵۹
- Scorcu, A. E. & Cellini, R. [۱۹۹۸]. "Economic Activity and Crime in the Long Run: An Empirical Investigation on Aggregate Data from Italy", *International Review of Law and Economics*, vol ۱۸, s. ۲۹۲-۲۷۹
- Schuller, B.-J. [۱۹۸۶]. *Ekonomi och kriminalitet - en empirisk undersökning av brottsligheten i Sverige* "doktorsavhandling, Nationalekonomiska institutionen, Göteborgs universitet.
- Witte, A. D. & Tauchen, H. [۱۹۹۴]. Work and Crime: An Exploration Using Panel data. Cambridge, MA, National Bureau of Economic Research.